

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال ششم - شماره دوم - تابستان ۱۳۹۲ - شماره پیاپی ۲۰

بررسی سبکی اشعار ولایی عرفی شیرازی و مقایسه آن با پیشینیان

(ص ۱۹-۱)

فاطمه ابوحمزه^۱ (نویسنده مسئول)، سید مهدی صدرالحفاظی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۲/۱۱/۲۹

تاریخ پذیرش قطعی: ۹۲/۳/۲۰

چکیده

در مقاله حاضر به بررسی سبک اشعار ولایی عرفی شیرازی شاعر قرن دهم میپردازیم. عرفی شانزده قصیده در مدح و منقبت پیامبر اکرم (ص) و حضرت علی (ع) سروده است. در یک مثنوی، معراج پیامبر (ص) را بر وزن مخزن الاسرار نظامی سروده و مناقب حضرت رسول (ص) را در مثنویهای جداگانه‌ای ذکر کرده است. در بررسی سبکی، اشعار ولایی عرفی شیرازی را از لحاظ فرم و محتوا بررسی میکنیم. در بررسی فرم شعر، مختصات ادبی، مختصات زبانی و موسیقی شعر بررسی میشود. در مختصات ادبی به بررسی چگونگی بکارگیری فنون ادبی، معانی، بیان، بدیع و میزان فصاحت شعر میپردازیم. سپس مختصات فکری و اعتقادات کلامی شیعه که در اشعار ولایی مطرح شده است بررسی میشود.

کلمات کلیدی

حضرت محمد(ص)، حضرت علی (ع)، اشعار ولایی، سبک، مدح، منقبت

1. دکترای زبان و ادبیات فارسی aboohamzeh@ut.ac.ir

2. استادیار دانشگاه تهران

مقدمه

جمال‌الدین محمد فرزند زین‌العابدین متخلص به عرفی از شاعران قرن دهم هجری سال ۹۶۳ هجری در شیراز به دنیا آمد و در همانجا به کسب ادب و بعضی مقدمات علمی پرداخت و تا سال ۹۸۹ هجری در زادگاه خویش زندگی کرد سپس راهی هند گردید. «مذهب عرفی طبق تذکرهٔ مرآت الشعراء شیعه بوده است با توجه به رسالهٔ نفسیهٔ او، دارای گرایش عرفانی نیز بوده است.» (مقدمهٔ دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: ص ۲۱)

«عرفی که مطابق زمان خودش مقدمات عربی و ادب فارسی را آموخته و در خط نسخ هم خوشنویس شده و بعد به مقتضای میل فطری در همان شیراز مشغول سخنسرایی گردید. لیکن میدان هندوستان را برای جولان ادب خود وسیعتر دیده، از ایران رخت بر بست. در ورود به هندوستان در محفل ادبی حکیم ابوالفتح که از امرای اکبر شاه بود داخل گشت و به سفارش حکیم معزی‌الیه در مجلس ادب عبدالرحیم خان خانان وارد شده مشغول افاضه و استفاضه گردید. در واقع عرفی در دو محفل ادب مذکور خصوصاً مجلس خان خانان که دارای ادبای بزرگ آن عصر بوده به ترقیات نائل شده استاد شعر گردید.» (عرفی شیرازی، داعی‌الاسلام: ص ۲۲۴)

عرفی در قصاید خود از استحکام و روانی خوبی برخوردار است. در قصاید خویش به مدح و منقبت حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) پرداخته است. ممدوحان او میر ابوالفتح، اکبرشاه، شاهزاده سلیم و شاعر توانایی به نام خان خانان است. از دیگر موضوعاتی که در قصاید خود مطرح میکند توحید باری تعالی، شکایت از زمانه، حکمت و موعظه، چیستان و بیان تفاخر است. عرفی شاعری خودستا و اهل تفاخر است.

«شهرت عرفی در قصیده سازی به چند سبب است :

۱. توانایی در تتبع شیوهٔ استادان پیشتاز خود
 ۲. توانایی در آوردن سخن روان و خالی از تکلف و در همان حال منتخب و استوار همراه با نازک خیالیها و مضمون یابیهای که بعد از او مایه کار بسیاری از شاعران استاد گردید.
 ۳. گنج‌اندیشه‌های علمی و نکته‌هایی که میتوان از آن استخراج نمود، در قصیده و استفاده از اطلاعات خود در خلق مضمونهای دقیق جدید.» (تاریخ ادبیات در ایران، صفا، ج ۴: ص ۸۰۶)
- « بنا به قول شبلی در سال ۹۹۶ ق. دیوان عرفی شامل بیست و شش قصیده، دوپست و هفتاد غزل و هفتصد قطعه گردآوری شد. اما به احتمال زیاد پس از جمع‌آوری اشعاری را به دیوان خود افزوده باشد. بنا به قول مآثر رحیمی رساله‌ای نیز موسوم به نفسیه به نثر نوشته است.» (مقدمهٔ دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: صص ۲۲-۲۴)

عرفی در قالبهای غزل، قصیده، قطعه، مثنوی، رباعی، ترجیع بند و ترکیب بند شعر سروده است.

«در تذکره ریاض الشعراء اینگونه به فصاحت و بلاغت اشعار عرفی اشاره میکند: در میدان بلاغت گستری گوی فصاحت از میدان سخنوران زمان ربوده است. قصاید غرّایش خط نسخ بر اوراق سبعة معلقه کشیده، به غزلیات روح افزایش زبان طعن بر آب حیات گشوده، پختگی معانی و عذوبت کلام و تازگی مضمون را با هم جمع کرده است.» (مقدمه دیوان عرفی شیرازی، تصحیح جواهری: صص ۳۳-۳۴)

«از اواخر قرن نهم، شعر فارسی به سمت اغراق در نازک خیالی و توجه به تشبیه و استعاره در شعر پیش رفت. عرفی شیرازی نیز در این راستا ابتکاراتی را به جای گذاشت. از جمله مقلدان وی از فیضی در دهلی، رکنای مسیح و حکیم شفایی در اصفهان نام برده اند.» (عرفی شیرازی، داعی الاسلام، صص ۴۴۶-۴۴۷)

در این مجال به بررسی سبک اشعار ولایتی عرفی که شامل قصایدی در مدح حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) است و چند مثنوی که در مدح و منقبت حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و معراج ایشان است، میپردازیم. از قصاید جمع آوری و چاپ شده عرفی هفت قصیده به مدح رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) و نه قصیده به مدح حضرت علی (علیه السلام) اختصاص یافته است.

بررسی فرم شعری عرفی شیرازی

۱. بررسی مختصات زبانی

الف. لغات

از جمعهای مکسر غیر معمول استفاده میکند

۵/۹ تأثیر برد سهم تو از حکم کواکب تغییر دهد هیبت تو طعم نعم را
۸/۱۵ نی غلط این نغمه به موقع نسرودم این نغمه نشیدست دگر صوت و نغم را

کاربرد کلمات غیر معمول

۹/۷۵ ناشی ز هوای جلوه تو ارخای عنان آفرینش
۱۰/۷۵ در ضمن شمردن عطایت افلاج بنان آفرینش

بسامد واژه‌های غیر فارسی

۱۱/۱۰۸ ای مرتفع ز نسبت جود تو شأن علم
 کلک گهر فشان تو رطب اللسان علم
 ۱۱/۸ وصف گل و ریحان به هوا باز نگرده
 هرچند هوا عطر دهد قوت شم را
 ۲۳/۹ از باغ نعیمش بده انعام و میامیز
 با مطلب او مطلب اصحاب شکم را

ب. بررسی مختصات ادبی

علم بیان

فراوانی شگردهای بیانی ابیات ولایی عرفی در جدول زیر آمده است.

تشبیه به اعتبار محسوس یا معقول بودن طرفین			انواع دیگر تشبیه							تشبیه از لحاظ آیینی		استعاره از نگاه ادبی	
معسوس به معقول	محسوس به محسوس	معقول به محسوس	تشبیه جمع	تشبیه مضمیر	تشبیه تفضیل	تشبیه بلیغ	تشبیه مرکب	تشبیه حروفی	مشبه دینی به حسی	حسی به مشبه به دینی	مجرده	استعاره مکئیه	
۱	۶	۵	۱	۶	۴	۵	۲	۱	۱	۱	۱	۱۰	

کنایه از لحاظ میزان اختفا		کنایه از لحاظ دلالت مکنی به مکنی عنه			مجاز	
تلویح	ایماء	کنایه در فعل	کنایه در اسم	کنایه صفت از موصوف	اسناد مجازی اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی	مجاز در اسم
۲	۱۰	۴	۱	۵	۲	۲

برخی از مشخصات سبک هندی در اشعار عرفی پدیدار است. به عنوان مثال تقسیم بیت به دو مصرع معقول و محسوس که «مصرع معقول (پیش مصرع) یعنی مصرعی که در آن شعاری داده میشود [شاعر در این مصرع طرح مطلب میکنند] میتواند تکراری و تقلیدی باشد اما مصرع محسوس (مصرع برجسته) یعنی مصرعی که شعار را تبدیل به شعر میکند باید تازه و ابتکاری باشد و رابطه بین این دو مصرع در اساس تشبیهی است. البته نمونه هایی هم هست که مصرع اول محسوس و مصرع دوم معقول است.» (سبک شناسی شعر، شمیسا، صص ۲۸۸-۲۹۰)

این بیت عرفی مثال مطلب ذکر شده است:

۴۰/۵۰ اگر ز روی ضمیرت نقاب برخیزد به رنگ سایه شود آفتاب چشمه نور

تشبه محسوس به محسوس

۲/۶۴ گرمابه جهان جلال ترا بود از مهر و ماه جام و ز هفتم سپهر طاس
۱۱/۱۳۳ ای مرا بر زشتی اعمال، نومیدی گواه دورم از حسن عمل چون روسپیدی از گناه
۲۰/۳۸ کتابه اش که بود سرنوشت عالم کون چو بوی جامه یوسف برد ز دیده غبار

تشبیه معقول به محسوس

۲/۷۵ لطف تو چمن طراز امکان خشم تو خزان آفرینش

عرفی از تشبیهاتی که پیچیده تر درک میشوند استفاده میکند و این به نازک خیالی در شعر سبک هندی مربوط است. برای مثال نمونه هایی ذکر میشود:

تشبیه مضمّر

۱۴/۴۸ جمال صدر نشینان ز نور چهره او چو انجم از اثر شاه اختران مستور
در نهان، شاعر جمال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را به آفتاب و اطرافیان ایشان را به ستارگان تشبیه کرده است.

۳۲/۵۰ از آن نفس که برون داده اند گوهر تو به گنج صنع نمانده تعلق گنجور
شاعر در واقع گوهر وجود پیامبر (صلی الله علیه و آله) را برابر تمام گنج آفرینش دانسته است.

۱۴/۱۲۸ زهی فروغ ضمیر تو شمع بزم رسول زهی وجود شریف تو ختم صنع الله

در منقبت حضرت علی (علیه السلام) شاعر، فروغ و روشنایی ضمیر وجود امیرالمومنین (علیه السلام) را به شمع روشنایی بخش محفل رسول الله (صلی الله علیه و آله) تشبیه کرده است و وجود شریفشان را ختم صنع الهی دانسته است.

۴/۱۰۸ جیب و کنار عقل ز گوهر لبالب است تا باز کرده‌ای لب گوهر فشان علم بطور نهانی شاعر در این بیت که از قصیده‌ای در مدح حضرت علی (علیه السلام) است، علم ایشان را به گوهر تشبیه کرده است.

تشبیه تفضیل

۱۷/۶۳ لیل و نهار نسبتشان منعکس شود گر مه ضیا کند ز ضمیر تو اقتباس
۹/۱۰۸ علمست جان هر که بود معنوی نهاد الا فطانت تو که گردید جان علم

تشبیه مرکب

۱۰/۱۰۵ آسمان نهمین حصر شکوه تو کند در میان گیرد اگر دایره را نقطه جیم
۱۱/۱۳۳ ای مرا بر زشتی اعمال، نومیدی گواه دورم از حسن عمل چون روسپیدی از گناه
۱۵/۱۰۷ شاهها منم که درد و غم و غصه متصل آیندم از قفا چو سپاه از پی علم
بیت بالا تشبیه مرکب است. درد و غم و غصه که پی در پی میرسد چون سپاهی است که پشت علم میروند.

تشبیه مضمّر تفضیل مشروط

۳۱/۵۰ ز نور ناصیه ات ماه گر ضیا گیرد به آفتاب دهد نسخه سنین و شهور
۴۰/۵۰ اگر ز روی ضمیرت نقاب برخیزد به رنگ سایه شود آفتاب چشمه نور

تشبیه حروفی

۱۲/۱۳۴ سینۀ مد الف بشکافد و بیرون جهد چون در اثنای پریشانی نویسم تیر آه

تشبیهات عرفی از نگاه آیینی

تشبیه مشبه دینی، به مشبه به حسی
۶/۳۹ گلیست در چمن صنع شکل قبه او که عرش داشته بر دور او، ز کنگره خار
تشبیه مشبه حسی به، مشبه به دینی
۱۶/۱۰۸ آن مایه دشمنی که به علمست جهل را ای کعبه وجود تو دار الامان علم
عرفی در اشعار ولایی خود بیشتر از استعاره مکنیه استفاده کرده است و نوآوری خاصی هم در این زمینه نداشته است.

شاعر از انواع کنایه زیاد استفاده میکند. در اینجا تنها به بررسی کنایه های اشعار او از لحاظ مکنی عنه میپردازیم.

کنایه در فعل

۶/۹ انعام تو بردوخته چشم و دهن از احسان تو بشکافته هر قطره یم را
۷/۱۰ تا نعت تو آمد ز مشیت بنوشتن بالا نگرستن بشد از یاد قلم را
کنایه از اینکه نعت پیامبر(صلی الله علیه و آله) آنقدر زیاد است که قلم از روی کاغذ برداشته نمیشود.

کنایه در اسم

۱۲/۸ از رغبت دنیا، الم آشوب نگردم
الم آشوب کنایه از پریشانی

کنایه صفت از موصوف

۶/۷۰ شهنشاه سریر قاب قوسین احمد مرسل
۷/۷۰ شهنشاهی که فرآشان بزم او به صد منت
۸/۷۰ شهنشاهی که هست از غایت درویشی و همت
۹/۷۰ شهنشاهی که چون آماده شد جمازه جاهش
۲/۳۹۶ مژده رساند بر روح الامین
که بر پریشانی تقدیر مرقوم است فرمانش
به فرش عرش میریزند گرد فرش ایوانش
وجود خود فراموش و غم عالم فراوانش
فرو بستند از عرش برین محمل بکوهانش
کای تو بشارت بر سلطان دین

مجاز

نمونه هایی از کاربرد مجاز در اشعار عرفی بررسی میشود.

اسناد مجازی (اسناد فعل به فاعل غیر حقیقی)

۹/۱۱ ای بخت چنان مکن که آخر ممنون اثر کنم دعا را
گفت آسمان مرا که بگو این چه منظرست^{۷/۶۳} کز رفعتش نه وهم نشان داد و نه قیاس

مجاز در اسم

۶/۵۰ از آن نفس که برون داده اند گوهر تو به گنج صنع نمانده تعلق گنجور

کلمه نفس به علاقه لازم و ملزوم به معنی دم و لحظه است.

۱۶/۹ تا نام ترا افسر فهرست نکردند شیرازه مجموعه نیستند کرم را

کلمه افسر به علاقه ذکر محل و اراده حال به معنی بالا و ابتدا است.

نوآوریهای عرفی در علم بیان در بحث تشبیه دیده میشود. استفاده از تشبیه با ارکان آیینی، تشبیه مضمّر، تشبیه تفضیل، تشبیه مشروط، تشبیه مضمّر تفضیل مشروط و تشبیه حروفی از جمله نوآوریهایی است که میتوان از آنها یاد کرد.

فصاحت

عرفی در معراجیه‌ای که برای پیامبر (صلی الله علیه و آله) سروده؛ کلام روان، شیوا و موزون است.

۱۳/۳۹۸ یک دو قدم با قدم خویش رفت	تا به در عرش برین پیش رفت
۱۴/۳۹۸ سدره سراسیمه ز غوغای نور	غوطه زنان عرش به دریای نور
۱۵/۳۹۸ مانده نه بر وجه مسافت قدم	زان سوی هستی برون از عدم
۱۶/۳۹۸ نیستی و هستی از آن پایه دور	و ز قدم نور لب سایه دور
۱۷/۳۹۸ سود و زیان مانده به طاق عدم	هستی خود هشته در اول قدم
۱۸/۳۹۸ از می نابود مکان گشت مست	شعله بازار جهان پست گشت
۱۹/۳۹۸ پای طبیعت ره دامن گرفت	مرغ تن افتاد تپیدن گرفت
۲۰/۳۹۸ از حرم ایزدی آمد ندای	کی گهر گنج الهی در آی
۲۱/۳۹۸ آن به روش محرم دل‌های ریش	عزم درون کرد ادب پیش پیش
۲۲/۳۹۸ رعشه بر اندام ز تاب حیا	شسته قدمها به گلاب حیا

تعقید و پیچیدگی در شعر

گاهی به علت طرز جمله بندی یا ازدحام تصاویر، فهم بیت مشکل شده است:
 ۲/۱۲۵ گرگزیند سرمه جز خاک درش مژگان چو باز چنگل اندازد بزاع دیده بینای " باز
 بعلت ازدحام تصاویر فهم بیت مشکل شده است.

۳/۶۳ آورده گوشوار مرصع به هدیه، عرش کز وی علو شأن ستاند به التماس
 ۳/۶۴ آگاه ترا سپهر سمندی بود که هست از آفتاب شعشه در گردنش قطاس

اشعار عرفی از جنبه علم معانی بررسی گردید و نوآوری قابل ذکر یافت نشد.

بدیع

فراوانی شگردهای بدیعی ابیات ولایی عرفی در دو قسمت بدیع لفظی و بدیع معنوی مورد بررسی قرار گرفته است.

۱. بدیع لفظی

جناس					تکرار	
افزایشی	اختلافي	خط	اشتقاق	اشتقاق شبه	واج آرایبی	تصدیر
۱	۸	۲	۲	۳	۲	۱

مثال برخی از آرایه های بدیع لفظی

جناس اختلافي

شکنج زلف و سخای تو موج دریا بار

^{۴۱/۲} غبار صحن و سرای تو اوج هفت اورنگ

جناس خط

ورنه که داند به تو ره یافتن
باغ تو از فیض تو معمور باد

۴/۳۹۲ نیست ادب روی ز ره تافتن
۲/۴۰۲ قبض ترا نامیه مزدور باد

جناس اشتقاق

که ما به روز ازل ناظریم و او منظور
کز اضطراب دل آب، عکس عارض ماه

۲۱/۴۸ و گرسبور نئی تا بگویم این آنست
۷/۱۲۹ شود مثال در آئینه مضطرب زانسان

جناس شبه اشتقاق

معلوم نشد فایده نی کیف و نه کم را
به آستان حریمش که هست ناصیه زار

۴/۹ تا شاهد علم و عملش چهره نیفروخت
۱۳/۴۲ به آستین کریمش که هست گنج افشان

تصدیر

اگر ز جنبش موری بلند گشت غبار

۵/۳۹ غبار فرش حریمش به تاج عرش نشست

تلمیح				اغراق	حسن تعلیل	حسامبیزی	معالله اسلوب	تنسیق الصفات	مشاکله
به آیات قرآن	به حدیث	به حوادث تاریخی	فرهنگ عامه	۱	۱۴	۴۴	۷	۴	۱
۷	۵	۵	۲						

ایهام ترجمه	حسن طلب	لف و نشر	تناسب	اسلوب حکیم	تضاد	تجاهل العارف	التفات	تجرید	پارادکس
۱	۱	۱	۱۳	۲	۱۰	۲	۲	۸	۲

همانطور که ملاحظه میشود شگردهایی که کلام را مخیل میکنند مانند حسامبیزی، حسن تعلیل، تلمیح و اسلوب معادله در اشعار عرفی بسامد بالایی دارند.

تنسیق صفات

۱۷/۱۰۶ سلطان دین، وصی نبی، قهرمان شرع
 ۱۳/۱۲۸ شه سریر ولایت، امام خطه شرع
 ۱۸/۱۳۳ قهرمان عرش مسند، داور امی لقب
 ۱۰/۶۳ این قصر جاه، واسطه آفرینش است
 شاه نجف، علی ولی، معدن کرم
 محیط عالم دانش، علی، ولی الله
 صورتش مرآت معنی، معنیش صنع اله
 یعنی علی، جهان معانی، امام ناس

تلمیح

۱. تلمیح به آیات قرآن

۱/۴۷ سپیده دم که زدم آستین به شمع شعور شنیدم آیت «لاتقنطوا» ز عالم نور
 تلمیح به آیه ۵۳ سوره مبارکه زمر «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ»
 ۸/۴۷ تو در معامله اهبطوا متاع مخر که ناصحیح بود بیع و سعی نامشکور

تلمیح به آیه ۳۶ سوره مبارکه بقره دارد «فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ
وَقُلْنَا اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ»
۱/۷۶ نعلین تو تاج قاب قوسین
تمکین توشان آفرینش
به آیه ۸ و ۹ سوره مبارکه نجم «ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى» تلمیح دارد.

۲. تلمیح به احادیث

۱۱/۱۰۴ دوش بر دوش نبی درشرف ذات علی که عدیم است عدیلش چو خداوند کریم
اشاره به حدیث «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْأَنْبِيَاءَ مِنْ أَشْجَارٍ شَتَّى - وَخَلَقْتُ أَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ
وَاحِدَةٍ، فَأَنَا أَصْلُهَا وَعَلِيٌّ فَرْعُهَا، - وَالْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ ثِمَارُهَا» (شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، ۲/ ۲۰۳)
۱۳/۱۴۸ سر اعدا به تن عداوت داشت مظهر لا فتی فرستادی
بیت تلمیحی به این حدیث دارد. «فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَنظَرَ رَسُولُ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى جَبْرِئِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى كُرْسِيِّ مِنْ ذَهَبٍ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ
يَقُولُ: لَأَسَيِّفَ إِلَّا ذُو الْفَقَارِ، وَ لَأَفْتِي إِلَّا عَلِيٌّ» (الكافی، ۲۷۰/۱۵)
۱۶/۳۹۴ ز او نهج شرع گرانمایه طرز جامه لولاک بر او تنگ درز
این بیت تلمیحی به حدیث «لولاک لما خلقت الافلاک» (بحار الانوار، ۲۸/۱۵) دارد.

ایهام ترجمه

۱۸/۴۸ کدام کحل که نگرفتی از هدایت ما هنوز دیده معنیت هست عین قصور

لف و نشر

۳/۹ تا رایت عفو و غضبش سایه نیفکند هیبت متصور نشد آرامش و رم را

مذهب کلامی

۱/۹ روزی که شمردند عدیلش ز محالات تاریخ تولد بنوشتنند عدم را

حسن تعلیل

۷/۴۷ نه کوتاهی ز عطا بود عشق میداند که بر کرشمه ما تنگ بود خلعت طور
۱۲/۱۴۸ ای که از حمل نعت او به فلک علت انحنا فرستادی
۸/۴۱ هنوز ناصیه آفتاب در عرق است از آن فروغ که بر وی فشاندی از رخسار
۹/۴۱ ز شرم نور جمال تو آفتاب هنوز به هر جهت که رود هست روی بر دیوار

حسامیزی

۱۰/۱۱۹ چنان خلدبه رگ و ریشه امشمایل تو که مغز سوخته در استخوان شود شیرین
۱۳/۱۱۹ چنین که شدلیم از زهر فتنه تلخ، مگر ز مدح شاه زمین و زمان شود شیرین

بر آستانه طبعش کسی که سجده کند^{۱۶/۱۱۹} ز نور ناصیه اش آستان شود شیرین

تجاهل العارف

این بارگاه کیست که گویند بی هراس^{۱۷/۶۳} کای اوج عرش سطح حضيض ترا مماس

اسلوب معادله

۱۴/۹ تا مجمع امکان و وجوب ننوشتند
 ۳۹/۵۰ به عهد حکم تو امر قضا چنان منسوخ
 ۱/۱۰۷ عزم طواف کعبه ز کویش چنان بود

التفات

تویی که کرده ضمیرت ز روی شاهد عقل^{۱۸/۵۱} به آستین هدایت غبار غفلت دور
 ۵/۵۲ حسود جاه تو بادا از شاهد مقصود
 چو دست جود تو از وصل آستین مهجور

تجريد

عرفی گاهی در خطاب به خویش از ناتوانی بیان منقبت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امیرالمومنین و ائمه (علیهم السلام) میسراید:

خموش عرفی از این شکوه ملال انگیز^{۱۷/۶۳} ز لاف حوصله یادآر و طی کن این زاری
 هشدار که نتوان به یک آهنگ سرودن^{۱۸/۹} مدح شه کونین و مدیح کی و جم را
 عرفی مشتاق این ره نعت است نه صحرا^{۱۷/۹} آهسته که ره بردم تیغ است قدم را

پارادوکس

۵/۶۳ از بس که نور بارد از او در حوالیش
 ۸/۳۹۵ ظل الهی است ولی ظل زدای
 عرفی در صنعتهای بدیعی نوآوریهای در عرصه های مذهب کلامی ، تنسیق الصفات ، حسن تعلیل و برخی از تلمیحات به کار گرفته دارد.

نوآوری در مضامین شعری

در ابیاتی که به مدح پیامبر (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) سروده است، بیشتر به مضمونهای ادبی و صور خیال توجه داشته تا به ذکر فضایل حضرات (علیهم السلام) و مضامین دینی و آیینی. در ابیات زیر نوآوریهای در مضمون پردازی دارد .

۱/۱۴۸ دآوری کز لطافت نفسش
 ۵/۳۹۵ روح امین با همه فرزاندگی
 ۱۴/۳۹۵ تکیه گهش بالش وحی خلیل
 قدسیان را غذا فرستادی
 زد علم دعوی پروانگی
 بالش، مملو ز پر جبرئیل

موسیقی

الف. عروض

در ابیات یک قصیده گاهی فعلاتن به مفاعلن یا فعلاتن به فعلات ویا فعلن به فع لن تبدیل میشود.

منم آن سحر بیان کز مدد طبع سلیم نبرد ناطقه نام سخنم بی تعظیم
از حجاب سخنم بس که عرق داد برون صورت شیشه برآورد زلال تسنیم
در ابیاتی فعلاتن به فاعلاتن تبدیل میشود و همچنین از قاعده تسکین استفاده کرده
فعلن به فع لن تبدیل میشود.

^{۱/۸۰} تبارک الله از این آسمان شتاب کرنگ که نعل آینه رنگش ندیده رنگ درنگ
۲/۸۰ اگر به ساحت میدان او درآید غم وگر گشاده شود از هجوم غم دل تنگ
بحرهای زیر را برای مدح حضرت محمد(صلی الله علیه و آله) و حضرت علی(علیه السلام) انتخاب کرده است .

هزج مثنیٰ اخرب مکفوف محذوف در یک قصیده ، هزج مسدس اخرب مقبوض (محذوف) در دو قصیده، رمل مثنیٰ مخبون محذوف در یک قصیده، رمل مثنیٰ محذوف در دو قصیده، مجتث مثنیٰ مخبون محذوف در سه قصیده ، مجتث مثنیٰ مخبون اصلم در سه قصیده، مضارع مثنیٰ مخرب مکفوف محذوف در یک قصیده ، سریع مسدس مطوی مکشوف در معراجیه و سه مدح پیامبر (صلی الله علیه و آله) در قالب مثنوی، خفیف مسدس مخبون اصلم در یک قصیده .

شاعر از اختیارات شاعری بسیار استفاده کرده است.

در ابیات یک قصیده گاهی دو هجای کوتاه را به یک هجای بلند تبدیل کرده است.

سپیده دم که زدم آستین به شمع شعور شنیدم آیت لاتقنطوا ز عالم نور
به دل ز شاهد بزم ازل ندا آید که ای تمام وفا از رضای ما بس دور

ب. قافیه

شاعر گاهی از ردیفهای خاصی در شعر خود استفاده میکند.

ردیف علم را در مدح حضرت علی (علیه السلام) انتخاب میکند. که یادآور این سخن رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است که فرمودند: «انا مدینه العلم و علی بابها»^{۱/۱۰۸} ای مرتفع ز نسبت جود تو شأن علم کلک گهر فشان تو رطب اللسان علم^{۲/۱۰۸} ای ساکنان مصر معانی به حسن عقل نادیده یوسفی چو تو در کاروان علم عرفی در یک قصیده‌ای که در مدح حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) و در دو قصیده‌ای که در مدح حضرت علی (علیه السلام) سروده تجدید مطلع کرده است.

بررسی محتوایی و فکری

ارزشگذاری عواطف

عرفی مدح حضرت رسول الله (صلی الله علیه و آله) را سعادتی برای خود میداند. ۱۶/۸ دوران که بود تا کند آرایش مسند مداح شهنشاه عرب را و عجم را شاعر از چندان عاطفه ای نسبت به حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) برخوردار است که معتقد است خداوند به جبرئیل میفرماید تا حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) را اینگونه به معراج فراخواند:

۵/۳۹۶ هان نکنی کز پی بیداریش لب بگشائی به طلبکاریش
 ۶/۳۹۶ دم به دم آهسته تر از باغ جان دامن ریحان عطا برفشان
 ۷/۳۹۶ از اثر بوی که داند چه بوست خود بگشاید مژده خواب دوست
 گاهی عرفی تحیر خود را در چگونگی والایی و ارجمندی حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) بیان میکند :
 ۲۸/۹ گر جوهر اول به حریم تو درآید تن در نهد قامت تعظیم تو خم را
 ۵/۱۰ هرگاه که در مدح بلغزم تو ببخشای کز مدح ندانم من حیرت زده دم را
 ۱۶/۴۸ هنوز در دلم این معنی خجسته اثر ز شاهراه تحیر نکرده بود عبور

شاخصهای اعتقادی

دربیتی از قصیده ای که در مدح رسول الله (صلی الله علیه و آله) سروده است به بیان احکام شرعی پرداخته است:
 ۸/۴۷ تو در معامله اهبطوا متاع مخر که ناصحیح بود بیع و سعی نامشکور
 در بیتی با تکیه بر لطف حضرت علی (علیه السلام) با اباحه‌گری بیان میکند که غمی از معاصی بی حدّ و قیاس ندارد.

۱۵/۴۵ وگر ولای تو ابلیس را شود زورق کشد ز ورطه نعتش به یک نفس به کنار
۴۵ / ۱۴ نه در پناه ولای توام؟ چه غم که بود معاصیم نه به اندازه قیاس و شمار
۱۴/۵۱ از عود مهر و گلاب و فاست عنصر من اگر برفتن دوزخ همی شوم مأمور
۱۵/۵۱ به بزم جنتیان انجمن طراز بهشت ز دود آتش دوزخ برد بخار بخور

بسامد ذکر اماکن مذهبی در شعر خاقانی بیش از دیگر شاعران است. الف. تعداد اماکن مذهبی و اسلامی که برشمرده است از دیگر شاعران بیشتر است: مسجد خیف، کوه ابوقبیس، کوه احد، مسجد الاقصی، میقات، مشعر، دارالسلام، بیت المعمور، جبل الرحمه، بطحاء. اماکن غیر معروف را هم یاد کرده است. ب. تعداد دفعاتی که از برخی اماکن مذهبی نام برده است قابل توجه است: کعبه، بیت الحرام و بیت الله ۱۲۹ مرتبه، خراسان و طوس ۵۰ مرتبه، کوه ابوقبیس ۱۰ مرتبه.

با توجه به فراوانی اماکن مقدسه در شعر فارسی، عرفی شیرازی از اماکن مقدس تنها به نجف و مدینه اشاره کرده است.

۲۲/۳۱ به کاوش مژه از گور تا نجف بروم اگر به هند به خاکم کنی و گر به تبار
۱/۱۲۵ کز جهان در یثرب آرم روی در گوش آیدش مرحبا یا امتی از مرقد مولای من

اعتقادات کلامی شیعه

با توجه به تعدد موضوع در اعتقادات کلامی شیعه فقط به مسایلی که مورد توجه عرفی قرار گرفته است میپردازیم و پیشینه این تفکر را در شعر دیگر شاعران بررسی میکنیم.

جبر و اختیار

«جبر و اختیار» مطرح در فلسفه و عرفان با آنچه که در وحی هست نسبتی ندارد. «اشاعره معروف به قول جبر در افعال هستند و فعل عبد را مخلوق خدای تعالی و مکسوب عبد میدانند. معتزلیها معروف قول به تفویض هستند که امر فعل، مفوض به بشر است بی مدخلیتی از حق تعالی در آن. از علما و حکمای امامیه نقل شده که فعل بنده، مخلوق بنده است بی واسطه و مخلوق خدای تعالی است به واسطه. « (میزان المطالب، تهرانی، ص: ۳۱۱)

«بر اساس تعالیم اهل بیت علیهم السلام، افعال انسان نه جبر است و نه تفویض، بلکه «امر بین الامرین» است که از آن به «اختیار» تعبیر میشود.

جبرباوری عرفی در بیت زیر نمود یافته است:

۳۷/۵۰ ز سر کلاه حکومت به دامن تو نهاد قضا که هست دو عالم به حکم او مجبور

شفاعت

شفاعت در شعر فارسی اغلب رهاورد رسول الله از معراج برای امت خویش معرفی میشود.

خاقانی درباره شفاعت چنین میسراید :

اگر ز عارضه معصیت شکسته دلی ترا ضمانت احمد ضمان کند به شفا
به یک شهادت سربسته مرد احمد باش که پایمرد سران اوست در سرای جزاء
(دیوان خاقانی: ص ۱۳)

عرفی با همان دیدگاه رایج در شعر فارسی درباره شفاعت امت حضرت محمد (ص) در معراجیه خود چنین سروده است :

۹ / ۳۹۸ مرحمت عام به جوش آمدش مرغ شفاعت به خروش آمدش
۱۲ / ۳۹۸ مرهمی آورد فرا درد ما ذی‌ل گنه پاک شد از گرد ما
در جای دیگر میسراید:

۲۱ / ۱۴۷ بد نکردی شفاعت خود را به لب مصطفی فرستادی

نظامی در معراجیه‌ای که برای رسول الله سروده درباره شفاعت چنین میسراید:

لب به شکر خنده بیاراسته امت خود را به دعا خواسته
همتش از گنج توانگر شده جمله مقصود میسر شده
پشت قوی گشته از آن بارگاه روی درآورده بدین کارگاه
(مخزن الاسرار نظامی: ص ۱۹)

قلمرو عقل و شرع

شیعه امامیه درمسأله حسن و قبح افعال دارای دو عنصر اساسی است نخست آنکه خوبی و بدی بعنوان یکی از ویژگیهای اعمال در نظر گرفته میشود (که از این به حسن و قبح بذاتی و در مقابل الهی تعبیر میشود.) و دیگر آنکه عقل آدمی را بر درک خوبی و بدی اعمال توانا میدانند. (که از این به حسن و قبح بعقلی و در مقابل شرعی تعبیر میشود.) با وجود این امامیه معتقدند که انسان به دلیل محدودیت عقل و آگاهی قادر نیست ارزش همه افعال را به درستی دریابد از این رو در مواردی که نمیتواند حسن و قبح عقلی اعمال را درک کند نیازمند دین و شریعت است.

عرفی درباره قلمرو عقل و شرع چنین سروده است :

۲/۴۰۳ شرع تو را جمله در افزایشند درصدد زینت و آرایشند
۳/۴۰۳ بس که در افزوده در او برگ و ساز گر بنمایم نشناسیش باز
۴/۴۰۳ گرچه از این طایفه پنهان به است شرع تو چون تیغ تو عریان به است
۵/۴۰۳ این زر بی غش که بر او نام توست دست به دست آمدنش سکه شست

عرفی در قرن دهم با گسترش اندیشه شیعی در اشعار خود به مسألهٔ بدهاء^۱ اشاره میکند که سخت میتوان این اندیشه را در شعر شاعران گذشته دید :

۵۰ / ۳۹ به عهد حکم تو امر قضا چنان منسوخ که از نزول کلام مجید حکم زبور

فلسفه

جریانی که دربارهٔ ورود فلسفه به شعر فارسی قابل مشاهده است مخالفت با فلسفه به علت برخی از تناقضات مسایل فلسفی با مسایل دینی است. از جمله شاعران این جریان میتوان از سنایی، خاقانی، عطار، مولوی، سیف الدین محمد فرغانی و نورالدین عبدالرحمن جامی نام برد .

عرفی گاهی از اصطلاحات فلسفی در اشعار خود استفاده میکند :

۲/۴۷ به دل ز شاهد بزم ازل ندا آمد که ای تمام وفا از رضای ما بس دور
۳/۵۲ به یک لباس ننگجد به جوهر ز ازدحام معانی ز کبریای شعور
اول گفت کای دانش من در بر علم تو سقیم
۱۵/۱۰۴ خانه زاد خردش جوهر اول با وی

اما در معراج پیامبر که فلاسفه به علت اعتقاد به عدم خرق افلاک معتقد به معراج روحانی هستند. عرفی طبق اخبار دینی به معراج جسمانی معتقد است و چنین میسراید :

۵/۳۹۶ هان نکنی کز پی بیداریش	لب بگشائی به طلبکاریش
۷/۳۹۶ از اثر بوی که داند چه بوست	خود بگشاید مزه خواب دوست
۸/۳۹۶ چون مزه را نیم گشادی دهد	دیده او عرض سوادی دهد
۹/۳۹۶ بلبل وحیی به ترنم در آی	بر چمنش آنچه توان میسرای
۱۰/۳۹۶ وانگه ازین شیوه عنان بازکش	رخت به آرامگه راز کش
۱۱/۳۹۶ با نفس گرم بجوش و بگوی	خیز که ایزد کندت جست وجوی
۱۲/۳۹۶ امر چنین است به جان آفرین	کز قدمت عرش شود بوسه چین
۱۳/۳۹۶ بیش براین مرکب گردون شتاب	ترک ادب گیر و بگیری رکاب
۱۴/۳۹۶ غایشه بر دوش بیاور عنان	باز ممان از جلوش ناتوان

۱ . عبارت از این اعتقاد است که خداوند عالم مشیتش را بر حسب مصالحی تغییر میدهد. به خاطر این اعتقاد شیعه امامیه چون خداوند قادر مطلق است و به نصّ آیهٔ یمحو الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الكتاب. (فرهنگ فرق اسلامی، ص ۳۱)

نتیجه

شاعر در آستانه سبک هندی شعر سروده است. آمارهای ارائه شده در بررسی مختصات ادبی نشان می‌دهد که برخی از عناصر ادبی که موجب ایجاد دقایق و ظرایفی در معنی و نازک خیالی می‌گردد، در اشعار او بیشتر از عناصر دیگر دیده می‌شود. در علم بیان شاعر از تشبیه بیش از استعاره استفاده می‌کند و این بسادگی شعر او کمک می‌کند. انواع تشبیه را از جمله تشبیه مضمّر، تشبیه تفضیل، تشبیه مشروط، تشبیه مضمّر تفضیل مشروط، تشبیه حروفی و تشبیه با ارکان آیینی به کار می‌برد. در بدیع لفظی از جناس بسیار استفاده می‌کند. در بدیع معنوی فراوانی صنایعی که موجب نازک خیالی و غرابت معنایی می‌گردد، بیشتر است. این نوع صنایع مورد توجه شاعران سبک هندی در این سده و سده‌های بعد قرار می‌گیرد. میتوان از صنایعی مانند حسن تعلیل، حسامیزی، اسلوب معادله، تنسیق الصفات، مشاکله، اسلوب حکیم، تجاهل العارف، تلمیح، تجرید و تناسب نام برد. شاعر در مضامین شعری و مضامین دینی و آیینی نوآوری‌هایی دارد. با اینکه هفتاد و هفت صفحه از دیوان شاعر به مدح پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و حضرت علی (علیه السلام) اختصاص یافته است، اما تنها در چند بیت محدود به اعتقادات شیعه می‌پردازد که عبارتند از: جبر و اختیار، شفاعت و قلمرو عقل و شرع. شاعر نیم‌نگاهی به فلسفه دارد اما در مواردی که بین فلاسفه و متشرعه اختلاف است، جانب متشرعه را گرفته است و به آموزه‌های وحیانی اعتماد کرده است.

منابع

۱. بررسی تطبیقی جبر و اختیار در آثار سنایی و متکلمان مسلمان، حیدری حسین، مطالعات عرفانی، شماره سوم، ۱۳۸۵
۲. تاریخ ادبیات در ایران و در قلمرو زبان پارسی جلد چهارم، صفا ذبیح الله، تهران، فردوس، ۱۳۷۲
۳. جبر و اختیار از دیدگاه مکتب وحی و مکاتب بشری، سیدان سید جعفر، سمات، شماره ششم، پاییز و زمستان ۹۰
۴. دیوان اشعار سنایی، سنایی غزنوی، مقدمه، حواشی و فهرست به سعی و اهتمام مدرس رضوی، تهران، سنایی، ۱۳۶۳

۵. دیوان اشعار خاقانی، خاقانی بدیل الدین علی، تعلیقات ضیاءالدین سجادی، تهران، زوآر، ۱۳۳۸
۶. سبک شناسی شعر، شمیسا سیروس، تهران، فردوس، ۱۳۸۰
۷. سیرکلام در فرق اسلامی، مشکور محمد جواد، شرق، ۱۳۶۸
۸. شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، حسان بن عبیدالله بن عبدالله، محمدباقر محمودی، التابعه لوزاره الثقافه و الإرشاد الإسلامی، مجمع إحياء الثقافه الإسلامیة، تهران، ۱۴۱۱ق.
۹. عرفی شیرازی، داعی الاسلام، نشریه زبان و ادبیات ارمغان، دوره نهم، مرداد وشهریور ۱۳۰۷، شماره ۶۵
۱۰. عرفی شیرازی، داعی الاسلام، نشریه زبان و ادبیات ارمغان، دوره نهم، مهر ۱۳۰۷، شماره ۷
۱۱. کلیات اشعار عرفی شیرازی، عرفی شیرازی جمال الدین محمد، به کوشش جواهری «وجدی»، کتاب خانه سنایی ۱۳۵۷
۱۲. مخزن الاسرار، نظامی الیاس بن یوسف، با تصحیح حسن وحید دستگردی، به کوشش سعید حمیدیان، تهران، قطره، ۱۳۷۶
۱۳. میزان المطالب، تهرانی جواد، قم، در راه حق، ۱۳۷۴